

جامعه و پوشش خانمها

جعفر گلابی

باید دانسته می‌شد که گشت ارشاد پاسخی خردمندانه به موضوع پوشش خانمها نیست

ساده‌اش این است که می‌خواهند سفت بگیرند تا وضعیت پوشش برخی از خانمها از این هم که هست ضعیف‌تر نشود و این معنا در نگاه اول منطقی به نظر می‌رسد. ولی در و دیوار و تاریخ و علوم انسانی و اجتماعی گواهی می‌دهند که موضوع ساده نیست. موضوع حجاب تا قبل از اعتراضات پاییز سال گذشته با شیب ملایمی راهی را می‌رفت که البته رضایت حاکمیت را در بر نداشت اما برایش قابل تحمل بود ولی با وقوع آن همه تجمع طی مدت زمان نسبتاً طولانی تمرکز خود را روی کنترل اوضاع گذاشتند و وضعیت حجاب را مورد چشم‌پوشی قرار دادند تا در شرایط عادی به آن بپردازند. در این میان يك اتفاق جدید افتاد و بی‌حجابی که معمولاً به ندرت دیده می‌شد در مقیاس بیشتری ظهور کرد. اینکه اعتراضات پاییز و محوریت خانمها تا چه حد در ظهور این پدیده اجتماعی دخالت داشت و اینکه زمینه بی‌حجابی از پیش تا چه حد فراهم هم بوده و نوع برخوردها و تبلیغات و کج‌سلیقگی‌ها و آمریت‌ها در زمینه حجاب، خصوصاً وضعیت اقتصادی تا چه حد در این موضوع تاثیر داشته، نیازمند تحقیق میدانی و نگاه کارشناسی است. نگاهی که در بسیاری از موضوعات محلی از اعراب پیدا نمی‌کند و چاره‌جویی‌ها معمولاً به صورت روزمره و خصوصاً با محورسیاست نهایی می‌شوند! بی‌تردید موضوع پوشش خانمها از اهمیت بسیار بالا و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شده است و اگر در اصل چنین اهمیت و حساسیتی وجود نداشته با برخوردها و تمرکزها و سیاسی‌کردن‌ها دچار چنین حالت حادی شده است. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که گویا پاك کردن صورت مساله چون به نظر ساده و شدنی می‌رسد جای برخورد عقلانی را می‌گیرد و حل شدن مسائل فراموش می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران در همان ابتدای ماجرای مرحومه مهسا امینی راه درست و حل موضوع را نشان دادند. ولی نه تنها توجهی صورت نگرفت که خطاهای آشکار پشت سرهم ردیف شدند و حالا هنوز هم در بعدی دیگر هزینه آن اشتباهات فاحش در موضوع حجاب در سطحی بی‌سابقه پرداخت می‌شود. مسلماً حل شدن يك مساله تفاوت بسیار با جمع شدن یا همان پاك شدن دارد. حتی پیش از اعتراضات پاییز سال

گذشته باید دانسته می‌شد که گشت ارشاد پاسخی خردمندانه به موضوع پوشش خانم‌ها نیست و هر آن امکان وقوع يك فاجعه وجود دارد و تصمیم‌گیرانی که خود را استاد بحران‌ها می‌دانند باید می‌توانستند احتمالش را حدس بزنند و از وقوعش جلوگیری کنند. اکنون اگر با انبوه تبلیغات و انواع اقداماتی که در حال انجام است نتایج دلخواه حاصل نشود و وضعیت حجاب سروسامان پیشین را به خود نگیرد فقط ضربه‌ای دیگر به رابطه مسوولان و مردم وارد می‌شود و تندتر کردن برخوردها هم انواع خطرهای دیگر دارد که ناگفته روشن است. به هر حال نکاتی وجود دارد که اشاره به آنها ضروری است و کم و بیش با ادبیات مختلف بعضا گفته شده است:

اولا در این عرصه ایجاد دوگانگی در میان مردم و به تبع آن امکان به وجود آمدن برخوردها و درگیری‌ها در کوچه و خیابان قطعا سیاستمداران نیست و ممکن است خطرات و آسیب‌های غیرقابل پیش‌بینی به وجود آورد. مردم در برابر هر پدیده‌ای رفتاری طبیعی از خود بروز می‌دهند و در این مورد هم باید بخش بزرگی از ماجرا را به خود جامعه و روند موجود در آن سپرد. اگر جامعه در سطح بالایی ظرفیت پذیرش بی‌حجابی را نداشته باشد بی‌اعتقادان به حجاب را متقاعد به رعایت آن خواهد کرد و حجابی که از چنین بستری به وجود آید اصیل و ماندنی خواهد بود. کسانی که هدایت جامعه را بر خود فرض می‌دانند خارج از تذکر محترمانه زبانی وظیفه‌ای ندارند چراکه آرامش و ثبات و امنیت جامعه درصدا مصالح است و اتفاقا از وظایف اولیه دولت هم هست.

دوم، احتراز از تقابل با بخشی از جامعه شرط خردمندی و مدارا و رواج معروف و محدودیت منکراست. سیاست‌های تقابلی و نه تفاهمی شاید در ابتدا نتایجی داشته باشد ولی ایمان و اعتقاد به وجود نمی‌آورد و با سرعت نتایج معکوس خواهد داشت. اگر تعداد بی‌حجابان کم باشد نشان می‌دهد که آنان دارای جریانی ریشه‌دار نیستند و لذا نگرانی نخواهد داشت و اگر زیاد باشند راه متقاعد کردن آنها تهدید و جریمه و برخورد نیست.

سوم، برای يك بار هم که شده دولت وظیفه شناخت دقیق و همه‌جانبه موضوع و راه‌های برون‌رفت از آن را برعهده گیرد. کارشناسان و جامعه‌شناسان و سیاستمداران با گرایش‌های مختلف دعوت شوند، اطلاعات دقیق و میدانی در اختیارشان قرارگیرد تا به پرسش‌های مشخص پاسخ صریح و روشن قابل اجرا بدهند.

مثلا در چنین مجمعی به این پرسش‌ها با عدد و رقم پاسخ داده شود که ابعاد موضوع دارای چه زمینه و گستره و عمقی است؟ امکان

تاثیرگذاری بر این جریان چقدر است؟ هزینه‌ها و آسیب‌های آن و هزینه‌ها و آسیب‌های برخورد با آن چیست؟ آینده پدیده‌ای که در جامعه رخ نموده است چه خواهد بود؟ نقشه جغرافیایی این پدیده در کشور ترسیم و پاسخ داده شود که از نظر کیفی و کمی با چه ابعادی روبرو هستیم؟ مسلماً از دل چنین رویکرد بخردانه‌ای پاسخ‌های راهگشا پدیدخواهند آمد و جامعه از یکی از گردنه‌های حساس خود به سلامت و بدون خسارت و عوارض منفی عبور خواهد کرد. شاید عبور منتقدانه از کنار آن تنها راه بدون آسیب و خسارت باشد.

م: : ۱۴۰۲ ۴